

الفبای واگذاری تصدی گری

اراده محکمی در زمینه واگذاری تصدی گری
صندوق های بازنشستگی وجود ندارد



عبدالحسین ثابت، تجربه دو دهه حضور در عرصه مدیریتی صندوق های بازنشستگی کشور را دارد. پیشنهادهایی که وی ارائه می کند به واسطه این سابقه حضور و لمس گرفتاری های مدیریت صندوق قابل تأمل است. وی از واگذاری تصدی گری های صندوق های بازنشستگی به شدت حمایت می کند و آن را صرفاً دردسری برای این صندوق ها می داند که به سودش نمی آرد. وی معتقد است شرکت هایی که از طرف دولت به صندوق ها واگذار می شوند تا زمانی که سودده هستند باید واگذار شوند و در صورتی که زیان ده هستند باید اصلاح ساختار شوند و پس از بهبود وضعیت برای فروش گذاشته شوند. ثابت همچنین دیدگاه جالبی درباره راه حل جبران کسری صندوق ها دارد و راه حل این کسری را در پذیرش تعهد پرداخت مستمری بگیران از سوی دولت و برداشته شدن این مسئولیت از دوش صندوق ها می داند.

بخشی از مشکلات صندوق های ناشی از عوامل محیطی و قوانینی است که در بیرون از این صندوق ها تصویب شده و بخش دیگر ناشی از عملکرد خود صندوق هاست. شما پیش از این نیز اعلام کرده بودید مخالف نگاه داری گسترده صندوق ها هستید؛ ولی این موضوع عملاً در صندوق ها در حال اتفاق افتادن است. خصوصاً پس از رد دیون دولت گذشته در قالب واگذاری های اجرای اصل ۴۴، این مسئله شدیدتر نیز شده است. سؤال اصلی من این است که برای اصلاح این روند آیا صندوق ها باید شرکت های تحت کنترل خود را واگذار کنند یا اینکه این شرکت ها باید در مالکیت صندوق ها باقی بمانند و مدیریت آنها اصلاح شود؟

از ابتدا هم قرار بر واگذاری شرکت ها بوده است. بنده اولین کسی بودم که در ابتدای دهه ۷۰ در شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی شروع به این کار کردم. از ابتدا برنامه ریزی بر این بود که شرکت هایی که به عنوان طلب از دولت خریداری می شد سامان پیدا کنند و بهره وری آنها بالاتر رود و به تدریج برای فروش وارد بورس شوند. بسیاری از شرکت ها نظیر شهید باهنر، لاستیک کرمان، لعاب ایران، کاشی الوند و ده ها شرکت دیگر که هم اکنون در بورس حضور دارند، به همین طریق

عرضه شدند؛ البته در ابتدا حدود ۳۰ درصد از ارزش شرکت هایی که از دولت دریافت می شد بابت دریافت طلب بود و ۷۰ درصد به صورت نقد پرداخت می شد؛ اما بعدها این نسبت تغییر پیدا کرد و سهم طلب از دولت افزایش یافت تا جایی که در واگذاری شرکت های پتروشیمی صدرصد ارزش این شرکت ها تحت عنوان رد دیون واگذار شدند. بنابراین در نگاه اولیه قرار بود این شرکت ها اصلاح ساختار شوند و سپس واگذار شوند. به تدریج حتی به این جمع بندی رسیدیم که خود شستا نیز وارد بورس شود. در پایان دولت آقای هاشمی درخواست ورود شستا به بورس داده شد که در دولت اصلاحات این درخواست پس گرفته شد. در زمانی نیز که بنده در دولت اصلاحات در صندوق بازنشستگی کشوری مسئولیت داشتم، شرکت سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی وارد بورس شد و تا مدت ها این شرکت یکی از بزرگترین شرکت های سرمایه گذاری بورس بود. بنابراین در صندوق بازنشستگی خیلی از شرکت ها در مبدأ واگذاری و یا پس از یک اصلاح ساختار به فروش می رفت که از جمله آن می توان به واگذاری شرکت های سازمان صنایع ملی به صندوق بازنشستگی کشور در قالب پرداخت بدهی دولت اشاره کرد که در آن زمان، اصلاً این شرکت ها را تحویل نگرفتیم و تصمیم گرفتیم که آن شرکت ها از طرف خود سازمان صنایع ملی به فروش برسد و منابع آن وارد صندوق شود.

برخی مسئولان صندوق بازنشستگی کشوری معتقدند یکی از دلایلی که این صندوق دچار بحران شده این است که در دوران جوانی آن، سرمایه گذاری کافی و مناسبی در آن صورت نگرفته بود و منابع آن نزد دولت محبوس مانده بود و این روند تا ابتدای دهه ۸۰ ادامه داشته است.

از ابتدا
برنامه ریزی
بر این بود که
شرکت هایی
که به عنوان
طلب از دولت
خریداری
می شد، سامان
پیدا کنند و
بهره وری آنها
بالاتر رود
و به تدریج
برای فروش
وارد بورس
شوند. بسیاری
از شرکت ها
نظیر شهید
باهنر، لاستیک
کرمان، لعاب
ایران، کاشی
الوند و ده ها
شرکت دیگر
که هم اکنون در
بورس حضور
دارند به همین
طریق عرضه
شدند.